

قيمة الاشتراك قبل دريافت هي:	
آب و نه	طهران و لایات خارجی
پیکاله	قران
شش ماهه	٤٥
١٠٠	٨٠
٥٥	٤٥

صفحه اول صفحه دوم صفحه سوم صفحه چهارم
سطری ۴ قران سطری ۳ قران سطری ۲ قران سطری ۱ قران
الآنمره ۷ شاهی بعد از پنجه همه ده شاهی

انظار

بمناسبت اصادف روز سه شنبه با
تهدیه میکنند حضرت رسول اَرم (ص) و
اعظیل عمومی روز چهار شنبه روزنامه ها
اشاعه نیخواهد شد .

بر پیکر دادند و مجا تمہ پیکنند
دند قبیله تمام میتو (درونه) و
نماقب آنند کان شاه در زیر یک طاقی
در (وارین) منظر بودند که چرخهای
کالسک اوی خانواده سلطنت بدانجا
رسید و آن را حاطه کردند
داشته باشد در روز حرث شاه از
ایران همین سکوت در طهران حکم فرمای
شد و همچنین فتحمدد که شاه کی رفت
من با اوش خود شفیدم که می آنقدر
بکذارید پرورد دست حق طلب ملت اورا

پریشان ؟ چه هنگامه ایست در این شهر
هر ده کان ؟ چه ناچیوی دارد حکم و مت
در اخلاق ؟

اخلاق است که هو تر در حکومت
نوازد و دی قول (موقتگبو) هر ملت ممتحن
همان حکومتی است که دارد - اگر در
مرحله اخلاق به این پایه رسیده اید که
ناپیر در حکومت نهادید مسیب بر بادی
هملت را میخواهیم باید

برای انجربه اینکه این حس در جامعه
نویلید شده یا نه هستواند همچب بر بادی
هملاکت را مجاَمه آند آنند یا خپر؟
این چند سطر را بروز نامه شما
نقدیم کرده و از حالت انعکاس آن

اوکار عمومی را نفیپش میگن
اکر بهمان ذکته مطلوبه برخوردیم
با آرنیکل دیگر خواهیم سفت آنادامین
حکومت بهتر و بحال جامعه مفید نیست

داستی عمر ایرانی بسروت میگذرد
وحوادث در نهایت سرعت بطرف او می آید

آقای مدیر نمی دانم زندگانی
ایرانی قسمت به اینواقعه مهاجم است یا
مدافع

— چه وضعت خطرناکی است؟
تحقیقاً زندگانی مشبّه زندگانی
آرمنی است که در اثر باران بهاری در
روی زمین پیدا میشود واز دوسوحر کت
میگند ولیکن همپشه در جای خود گذشت
است

علمای فن ملت بی اراده را به این
ترم و یا پیچایات مفده نشیپم، برده‌اند که همچشم
متحرک است و قابل ذائقه دارد و مذوق
نه عشق دارد و فرج
برای آنکه این حیوان فاقد اراده
است!

اراده چیز مهمی است و هر ملتی که
فاقت اراده شد بدون این که به علل
خرابی خود پی به برد از نشانه تقاضه می
کند را نماید !

و لپکن بایست قدری دقیق شد و
پعلل حقیقی پی برد چه بیان آرمان بهائی
بود یعنی جمله از اعلامیه شخص او
هملت آقای رئیس وزراء که فرمود
طرز حکومت مؤثر در اخلاق جامعه
فیض بلکه اخلاق جامعه است که برای
خود حکومتی را انتخاب و ایجاد

اَنْ اَيْنَ حَقِيقَةُ غَيْرِ قَابِلٍ لِنَرْدِيدَه
رَا نَصْدِيقَ دَارِيَدَ بِهِ آتَاهُ وَرَسْمَ شَرْمَكِينَ
وَهُرْ بَار سَلْطَنَتِ اِيرَانَ وَقَبِيقَ شَدَهُ وَ اَيْنَ

<p>لوی ملکه را هادام گرف و خود را نو کر او فاما مده بود خیال میگذاشتند این فغیپر لباس مهتوانست الفای شیوه آنند؟</p> <p>هر گز مجرم از سیمای جنایت کار خویش شفاقتنه میشود</p> <p>فراریان را دستگیر کردند و خبر پیاویس رسید</p> <p>وقبک شاه از دروازه شهر وارد میشد این جمله در تمام زبانها جمادی بود (محاکمه — محاسمه) — مسبب</p>	<p>بر بادی مملکت اعدام شود .)</p> <p>محکمه تشکیل شد و علت بد بختی ملت فرافته در محکمه عدالت محکوم باعدام شده</p> <p>و این جمله حکم محکمه بود که مسبب بر بادی مملکت اعدام شود</p> <p>حکم را به لوی ابلاغ کردند و اجازه داده شد که باخانواده سلطنتی و داع آن در آن ساعتیکه ملکه خود را بر روی شاهه شاه انداخته و با کم وان خوداشک چشم خویش را پاک می نورد و در آن</p>
---	--

This high-contrast, black-and-white photograph depicts a heavily textured surface, likely a wall or a rock face. The texture is grainy and mottled, with varying shades of gray. In the lower center, there are faint, dark, vertical and horizontal marks that suggest the presence of small figures or objects, though they are not clearly defined. The overall composition is abstract due to the lack of sharp focus.

وداع لوی با خانواده سلطنتی
 ساعتیکه خواهر شاه با یک دست سرزائف
 پر شکن خود را آرفته و بادست دیگر
 با اسماعیل خطاب می کرد و رفتار ملت را
 ظلم می فرمد و خیال می ترد که با چهره
 گلاکون خود میتواند خالق آسمان و
 زمین را فریب داده و قهر و غضب
 پورده از را بشکل صاعقه برسر ملت فرازمه
 فرود آورد

در آن ساعتی که لوی طفل پنجه ساله
 خود را با گوش کشیده و زار زاد می
 آریست فراموش ترده بودند که روز کار
 درازی خانواده و افراد ملت همین حال
 را داشت و آتش دود دل مستعنه مدان

مانند لوی و ملکه سپندی را لازم دارد
 نا بملت چشم زخمی نرسد
 راستی در آن ساعتی که لوی
 خانواده سلطنتی وداع ^{می} ترد طبیعت
 مظالم آنها را از زیر نظر همکذراند
 جنایات خانواده سلطنت را بقدرتی زیاد
 دید که دل نشکشد در همین ساعت دستور
 بروی شانه لوی کذاشته شد که بر خپن
 و از این پله ها بالا برو و خود ر
 نسلیم (کبوین) گن (*^{۲۴} بر اوراعدام صفحه
 برای اینکه محکمه وجدان ملت اینطور
 حکم ترده (مبین) بر بادی مملکت اعدام
 شود . چه داد و پیدا بیست در این اوراق

شاھ بایران بر گردد تا



مسئلہ بر بادی مملکت محکمہ و مجازات شود

۴۷ روز و آقای مدیر متحترم (بنو آن) را به بخشش و فلورانس داده حکوم بدار کند این حکم قطعی خواهم اثر قلم فاچیز خود را با همچگونهای نامه ملی تقدیم بدارم نسبت .

نیاید نو دید برد که :
ضه از عوارض زمانه مشابه همیشه این معنی را
بان برد که ثاریخ بحالت انگرادر
استعمال فریاده و یا اینکه سرفوشت تمام ملل با
از استعمال قلم ذوشته بشود
دیر یا زود آبر اختلافی به نظر
نایاید همگن است از مقتضیات اوضاع
ری را هر آحوال عنصر دشوار پوده و این قبیل
خلافات چندان مهم نیست
امی معتاد نه تنها زمانه مشابه است بلکه اوضاع
آذارشات ملل نیز با یکدیگر شبیهند

پسریت و زندگانی در روی یک دایره
هر میز قدر یک ملتی که دیروز بیک نقطه
نم کذاشت و آنداشت ملت دیگر امروز
همان منطقه رسیده و قهراء از هوای آن
قطه استنشاق خواهند شرد اَن در این
دانک یکدست سهل نزد دارید بتاریخ رجوع کنید
نهم الدوالاً حقایق معلوم شود
رف مشارالله ثمام دویست و یازده سال از واقعه
ا بشرح ذیلوئی پیکنرد اکو در آن تاریخ از هر
سلطان شرق دیوار فرانسه انقلاب پیمارید و در ظاهر
نهدی سه رابرخواست در پس پرده بود (دانتون)
اعلان پیشواها بجهت اعدام کردند و بعداز واقعه
مدتی شاهزادگان میرسنند که جرم دانتون چه بوده

از بسویه جمیع آنها به طور کنایه
نه خواهد شد بنه است !

قیمت اسناد قرارداد چه بوده ؟

آنی نمیدانست

ولی حس پردازی ملت حکم پیگرد
که داتون باید اعدام شود

حس عمومی هر آن بخطاطا نمی رود
پنج و کافی و آرنه همپو گوین را بجای داتون
اعدام هی برداشت آن در علی پنهانی
دشده است این حس نجگاوی نمید زیادتر از
پاستور این بوده که ملت حکم هی آند همیب
بربادی مملکت اعدام شود

۱ - ۳ این جمله پرجمیع از میحکمه و جهان
میلت پیرون آمد و اکر میحکمه (شا نلی)

متلا پموجب هراسله همپو (پورویه)
فرمانده کل قشون شما ای فرانسه که به
لوئی شافزدهم نوشته بود نوچه هی رود
که پیرابورا غرق طلا نمایند که این
قطاع الطريق قابل متواند جسار نهای
نذشته را چیزان نماید

رویهم رفته پولی را که به پیرابور
دادند اکر حساب کنیم بازحمت متواند
مساوی قیمت یک انواعی امروزه باشد
کتاب قرمز که بدست ملت فرانسه
افتاد لوی شافزدهم هم نقشه فرارخود را
نهجه دید و روز نوزدهم ژون میخواست
فرار آند

شب فرار شاه سکون و آرامی
مطلقی در پاریس منقطع بود اکر بخطاطر

تصدیق حب ترک تویاوه دواخانه پاستور

قشون دولت علیه ایران

تاریخ ۱۱ حوت تکوز ۱۳۰۲



هایره صحبه لشکر مرکز
نمره ۲۹۸۰

صحبه لشکر مرکز حب های نوک نریاک دواخانه پاستور را با اطلاع از آیینات آن در مرضی خانه پهلوی لشکر مرکز با مراقبت کامل بچند فقر معتقدین نریاک تحت امتحان آورده و پس از ختم دوره باطمارات نرک آنند قنایات فکرده چهل و هشت ساعت مشارک بهم را نوقیف و تحت نظر مراقبت طی مخصوصی کذاشته پس از تحصیل اطمینان از اثر مطلوبه و استخلاص از استعمال نریاک تصدیق مبناید که حب های دواخانه پاستور از حب کمی مدت و عدم استعمال ممکن است زیاد و بزری نماید که در موقع خود ممکن است خواهد شد.

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

* * *

